

Effect of the Company's Management System on the Degree of Conservatism in Financial Reporting with an Emphasis on the Ability of Managers

Saeed Anvar Khatibi^{*1}
*Muhaddeseh Hashemi*²

(Receipt: 2023.03.01- Acceptance:2023.03.19)

Abstract

The research investigated the effect of the company's management system on the degree of conservatism in financial reporting by emphasizing the ability of managers. This research was practical in terms of purpose, and causal (post-event) from the perspective of correlation methodology. The statistical population of the research consisted of the companies listed on the Tehran Stock Exchange. 127 companies were selected as the research sample in the 7-year period of 2014-2020 using systematic removal sampling method. The data was collected by documentary method, and the relevant data for measuring variables was collected from the CODAL website and the financial statements of the companies, and the initial calculations were made in Excel, then STATA software was used to test the research hypotheses. The results showed that the company management system had an inverse effect on the degree of conservatism in financial reporting. Also, the ability of managers had an inverse effect on conservatism in financial reporting. The ability of managers had an inverse effect on the relationship between the company's management system and the level of conservatism in financial reporting.

KeyWords:

company's management system, conservatism in financial reporting, ability of managers

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

*.corresponding author: anvarkhatibi@iaut.ac.ir

2. Master student of accounting department, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

تاثیر نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی با تاکید بر توانایی مدیران

سعید انور خطیبی^۱

محدثه هاشمی^۲

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰- پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی با تاکید بر توانایی مدیران می پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) می باشد. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۲۷ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره ی زمانی ۷ ساله بین سال های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای بوده و داده های مربوط برای اندازه گیری متغیرها از سایت کدال و صورتهای مالی شرکت ها جمع آوری شده و در اکسل محاسبات اولیه صورت گرفته سپس برای آزمون فرضیه های پژوهش از نرم افزار STATA استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی رابطه معکوسی دارد. همچنین توانایی مدیران بر محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر معکوس دارد. توانایی مدیران بر ارتباط بین نظام راهبری شرکت و میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر معکوس دارد.

واژه های کلیدی: نظام راهبری شرکت، محافظه کاری در گزارشگری مالی، توانایی مدیران

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

* نویسنده مسئول: anvarkhatibi@iaut.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه

محافظه کاری یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که در سال‌های اخیر به واسطه رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی مانند انرون و وردکام توجه بیشتری را به سوی خود جلب کرده است و برخی مطالعات اخیر مانند روی چودهری (۲۰۰۷) و لافوند و واتز (۲۰۰۶) به طور ویژه بر محافظه کاری تمرکز نموده‌اند. طبق تعریف بال و شیوا کومار (۲۰۰۵) محافظه کاری شرطی عبارتست از تاکید زیاد روی شناسایی به موقع زیان. بر اساس این نوع محافظه کاری، کاهش سودهای حسابداری منعکس کننده ی یک زیان اقتصادی همزمان می‌باشد. از این رو، محافظه کاری در حسابداری بیانگر این است که هزینه‌ها باید زودتر و درآمدها دیرتر شناسایی شود. در مفاهیم نظری حسابداری، محافظه کاری به عنوان واکنش محتاطانه در مقابل عدم اطمینان و به منظور حمایت از حقوق صاحبان سهام و اعتباردهندگان شناخته می‌شود (مجتهد زاده و فرشی، ۱۳۹۱). اگر مدیران بدانند به واسطه‌ی محافظه کاری حسابداری، زیان‌های ناشی از پروژه‌هایی با عملکرد ضعیف در طی دوره تصدی آنان شناسایی خواهند شد، انگیزه‌ی آنان جهت پذیرش پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی کاهش می‌یابد. در مقابل چنانچه مدیران بتوانند از طریق حسابداری غیر محافظه کارانه زیان‌ها را به تعویق اندازند، برای پذیرش پروژه‌هایی با NPV منفی انگیزه پیدا خواهند کرد، بال و شیوا کومار (۲۰۰۵).

امروزه نظام راهبری شرکت یکی از مهم‌ترین اجزاء کسب و کار و پیش‌زمینه توسعه فعالیت در بنگاه‌های مختلف می‌باشد که در سطح خرد موجب دستیابی به اهداف شرکت و در بعد کلان منجر به تخصیص بهینه منابع می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۳). نظام راهبری شرکت، مجموعه ساختارها و فرآیندهایی است که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایتی و کنترلی شرکت‌ها به حساب می‌آید. یک حاکمیت شرکتی خوب و مناسب منجر به کارایی عملکرد شرکت‌ها، دسترسی بیشتر به سرمایه، کاهش ریسک، افزایش پاسخگویی و شفافیت در برابر سرمایه‌گذاران می‌شود. از آنجاکه حاکمیت شرکتی چارچوبی برای دسترسی به اهداف شرکت به حساب می‌آید، تمام حوزه‌های مدیریتی مانند کنترل داخلی و ارزیابی عملکرد را شامل می‌شود (روحی علیایی، ۱۳۹۳). از دیدگاه فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)، حاکمیت شرکتی، عبارت است از مسئولیت‌ها و شیوه‌های به‌کاربرده شده توسط هیات‌مدیره و مدیران موظف که باهدف مشخص کردن مسیر استراتژیک دستیابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع تعیین می‌شود (برادران، ۱۴۰۱). بنابراین، به لحاظ نظری، انتظار می‌رود که ویژگی‌های یک نظام راهبری بر عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌ها تأثیرگذار باشد، زیرا راهبری اثربخش موجب می‌شود پیامدهای نامناسب ناشی از تضاد منافع بین مدیران و مالکان، کاهش یابد (امیر آزاد و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی، مدیریت باید به‌عنوان نماینده مالکان، با تجزیه و تحلیل و درک اهداف سازمان تحت مسئولیت خود، منابع محدود را به بهترین نحو مورد استفاده قرار دهد (برترند و شعار، ۲۰۰۳). مدیران توانمند سودهای باکیفیت‌تر تولید می‌کنند و عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشند. مفهوم عملکرد، با کارایی و اثربخشی تعریف شده است، چون اثربخشی بیانگر میزان دستیابی به اهداف است و کارایی به این موضوع اشاره دارد که منابع از نظر اقتصادی، چگونه برای کسب هدف بکار رفته‌اند و می‌توان آنها را دو بعد مهم عملکرد دانست، یعنی هم علل داخلی (کارایی) و هم دلایل خارجی (اثربخشی) برای بخش‌های خاص عملکرد، می‌توانند وجود داشته باشند. از این رو، عملکرد تابعی از کارایی و اثربخشی فعالیت‌های صورت گرفته است (لینچ و کراس، ۱۹۹۱). اصولاً یک شاخص مطلق و ایده‌آل برای سنجش عملکرد شرکت وجود ندارد. عدم وجود ابزار مناسب برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها، یکی از دلایل به نتیجه نرسیدن تلاش مدیرانی است که علاقه‌مند به ارتقای سطح عملکرد سازمانشان هستند (بردشو و همکاران، ۲۰۰۲).

1. Roy Chowdhury

2. La fond & Watts

3. Ball & Shiva Kumar

با توجه به نقش مهم افشای اختیاری در شرکت‌ها، در این تحقیق هدف آن است که تاثیر نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی با تاکید بر توانایی مدیران بررسی گردد. از طرف دیگر با توجه به اینکه بحث گزارشگری مالی از بابت ارتباطات اجتماعی شرکتها برای تصمیم گیرندگان، استفاده کنندگان و سهامداران شاخصی بسیار مهم می باشد، لذا می توان با بررسی عوامل موثر بر این متغیر، بخصوص نقش نظام راهبری شرکت بر آن به نتایج جالبی رسید و این نتایج می تواند در تصمیم گیرهای خرید یا فروش سهام توسط سهامداران، و سازمان محیط زیست، حسابرسان داخلی، سازمان خصوصی سازی، سازمان امور مالیاتی، استفاده کنندگان، مدیران و هیات مدیره لحاظ گردند چون گزارشگری مالی در برگیرنده ابزارها یا روش‌های اطلاع رسانی است و این ابزارها، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعاتی را از طریق حسابداری ارائه می‌دهد؛ اطلاعاتی درباره دارایی‌ها، بدهی‌ها، سود و... و هر چقدر این اطلاعات مالی از کیفیت بالایی برخوردار باشد در کارایی سرمایه گذاری و تصمیم گیری سرمایه گذاران مفید واقع خواهد شد. از طرفی نظام راهبری شرکتی می تواند عاملی مهم در میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی باشد. بنابراین انجام پژوهش تاثیر نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی با تاکید بر توانایی مدیران لازم و ضروری به نظر می رسد.

فرضیه های تحقیق:

- فرضیه ۱: نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.
 فرضیه ۲: توانایی مدیران بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.
 فرضیه ۳: توانایی مدیران بر ارتباط بین نظام راهبری شرکت و میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.

محافظه‌کاری در گزارشگری مالی

حسابداران به‌طور سنتی محافظه‌کاری را «قانون پیشی گرفتن زیان‌ها و عدم سبقت سودها» معرفی کرده‌اند. باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را تمایل حسابداران به الزام درجه‌ی بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوشایند (سودها)، نسبت به شناسایی اخبار ناخوشایند (زیان‌ها)، تفسیر می‌کند و آن را محافظه‌کاری شرطی یا وابسته به اخبار می‌نامد. محافظه‌کاری «انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان که در نهایت به ارائه‌ی کمترین دارایی‌ها و درآمدها بی‌انجام و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد» گیولی و هاین (۲۰۰۰). اگرچه تعریف جامعی برای محافظه‌کاری وجود ندارد، در ادبیات حسابداری دو ویژگی مهم آن بررسی شده است. نخست؛ تمایل به تسریع شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها که باسو بر آن تأکید داشته است. دوم؛ جانب‌داری در ارائه‌ی کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار آن که فلتهم و اولسون آن را مطرح کرده‌اند.

از نظر گیولی و هاین^۱ (۲۰۰۰)، محافظه‌کاری یکی از قراردادهای مهم در گزارشگری مالی محسوب می‌شود که باعث کاربرد احتیاط در تشخیص و سنجش درآمد و دارایی‌ها می‌شود؛ و انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان می‌باشد که در نهایت به ارائه کمترین دارایی‌ها و درآمدها بی‌انجام و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد (گیولی و هاین، ۲۰۰۰). کیم و ژانگ^۲ (۲۰۱۵) معتقدند، محافظه‌کاری یعنی شناسایی تمام زیان‌های بالقوه و شناسایی نکردن سودهای محتمل. کمیته ویژه انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA)^۳، محافظه‌کاری را از طریق طرز عمل حسابداری در شناسایی سود و زیان تعریف می‌کند. به این صورت که زیان‌ها به محض وقوع و نه در زمان تحقق شناسایی

1. Givoly & and Hayn

2. Kim & zhang

3. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)

می‌شود؛ و سودها تا زمانی که تحقق نیافته باشند شناسایی نمی‌گردند؛ به عبارت دیگر در زمان تردید، دارایی‌ها کمتر و بدهی‌ها بیشتر ارزیابی می‌شود (دستی، ۱۳۹۲).

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: نظام راهبری شرکت

نظام راهبری شرکت دربرگیرنده مجموعه روابط بین سهامداران، مدیران، حساب‌رسان و سایر افراد ذینفع است که متضمن برقراری نظام کنترلی به منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای صحیح مصوبات مجمع و جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی است.

تعریف‌های موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این، الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آن‌ها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی‌نفعان دیده می‌شود (حساس یگانه، ۱۳۸۷).

مالکیت نهادی (IOWN): مطابق با تعریف بوش، سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستند که حجم بزرگی از عملیات آن‌ها به معامله سهام شان برمی‌گردد (برادران، ۱۴۰۱).

تمرکز مالکیت (OWNCON): تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران شرکت‌های مختلف. هرچه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در این تحقیق به منظور محاسبه نسبت تمرکز مالکیت از شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI) استفاده خواهد شد.

$$HI = \sum_{i=1}^n S_i^2 \quad (3)$$

$$HI = \sum_{i=1}^n \left(\frac{X_i}{X}\right)^2 \quad (4)$$

در این فرمول، n تعداد بنگاه‌های موجود در بازار و S سهم بنگاه‌ها از کل اندازه بازار است. در شاخص فوق، تعداد بنگاه‌ها (X) و اندازه سهم‌های نسبی آن‌ها (X_i) در محاسبه مدنظر قرار می‌گیرد.

استقلال هیئت‌مدیره (BIND): این متغیر نشان دهنده نسبت اعضاء غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضاء هیئت‌مدیره می‌باشد.

کیفیت حسابرسی (Audit Q): اگر صورتهای مالی توسط سازمان حسابرسی و مفید راهبر حسابرسی شود عدد یک در غیراین صورت عدد صفر خواهد بود.

در نهایت از مجموع چهار متغیر فوق به عنوان مکانیزم حاکمیت استفاده خواهد شد که عدد حاصل مابین صفر تا چهار خواهد بود.

توانایی مدیران

در یک دیدگاه کلی توانایی مدیریت و سنج‌های مختلف آن یکی از بعدهای سرمایه‌سازمانی محسوب می‌شود که در یک طبقه‌بندی کلی، جزء دارایی‌های نامشهود می‌باشد. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های فروش، اداری و عمومی، دارایی‌های ثابت مشهود، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود. اعتقاد بر این است که مدیران توان‌تر درک مناسب‌تری از فن‌آوری و روند صنعت دارند و با اتکای بیشتری می‌توانند تقاضای محصولات را پیش‌بینی کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در طرح‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است. انتظار می‌رود در کوتاه مدت این مدیران بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند یا با استفاده از منابع کمتر بتوانند به سطح معینی از درآمد دست یابند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲).

نقش مدیریت در مجموعه‌هایی که خلاقیت و نوآوری از ضروریات و عوامل اصلی سازمان است بسیار مهم و حساس است، زیرا مدیریت می‌تواند توانایی خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند و یا رفتار و عملکرد او می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. هنر مدیر خلاق عبارت است از استفاده از خلاقیت دیگران و پیدا کردن ذهن‌های خلاق. مدیریت خلاق نمی‌تواند در بند شیوه‌های سنتی و معمول باشد، بلکه سبکی را برای مدیریت بر می‌گزیند که برای سازمان خلاق و نوآور مناسب باشد و منجر به محیطی گردد که روح ابتکار و نوآوری در آن حاکم باشد. در سازمان‌های خلاق روابط بین مدیران و کارکنان مبتنی بر صمیمیت، روشنی و تشریک مساعی است و این امر منجر به احساس امنیت و آرامش خاطر در افراد می‌شود.

علاوه بر نقش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های مدیران، اندیشمندان مدیریت وجود خصوصیات و ویژگی‌های فردی و شخصی برای مدیران را ضروری دانسته‌اند. آنان خصایصی مانند هوشیاری، ابتکار، اعتماد به نفس و توانایی سرپرستی را از ویژگی‌های فردی مدیران می‌داند. واتز (۲۰۰۳) چهار خصوصیت تمایل به مدیریت کردن، توانایی برقراری ارتباط و درک متقابل، درستی و صداقت و تجربه شخص بعنوان مدیر را از ویژگی‌های مدیران ذکر نموده‌اند.

توانایی مدیریت (Ability): در این پژوهش از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. آنها معتقدند که کارایی کل شرکت که به کمک رابطه زیر محاسبه می‌شود، نشانگر کارایی منابع در اختیار مدیریت و همچنین، توانایی‌های فردی مدیریت است.

در رابطه (زیر)، جزء باقیمانده مدل نشان‌دهنده توانایی مدیریت است. که بالا بودن جزء باقیمانده نشان دهنده توانایی مدیریت بالا می‌باشد.

$$FirmEfficiency_{it} = \beta_0 + \beta_1 SIZE_{it} + \beta_2 MarketShare_{it} + \beta_3 FreeCash_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 foreign_{it} + \varepsilon_{it}$$

FirmEfficiency_{it}

کارایی کل شرکت است که برای محاسبه آن از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده شده است.

SIZE_{it}

اندازه شرکت: به عنوان لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت لحاظ می‌شود.

MarketShare_{it}

بیانگر سهم از بازار شرکت *i* در سال *t* بوده است که از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$MarketShare_{it} = \frac{\text{مقدار فروش در پایان سال } T}{\text{جمع کل فروش صنعت در پایان سال } T}$$

FreeCash_{it}

بیانگر جریان نقد آزاد است برای اندازه گیری جریان نقد آزاد به شرح زیر عمل شده است .

جریان نقد آزاد = (هزینه استهلاک + سود عملیاتی) - (سود سهام تقسیمی + هزینه بهره + مالیات بر درآمد)

AGE_{it}

بیانگر تعداد سالهای فعالیت شرکت *i* در سال *t* از سال تأسیس

foreign_{it}

بیانگر ارزش خارجی شرکت *i* در سال *t* بوده و متغیر مصنوعی است که اگر شرکت صادرات داشته باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر است.

مدل تحلیل پوشش داده‌ها، مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خارجی کاربرد دارد.

$$\max_{\theta} \theta = \frac{Sales}{v_1 COGS + v_2 SG\&A + v_3 PPE + v_4 OL + v_5 OtherIntan} \quad \text{رابطه (۵)}$$

Sales: برابر است با فروش خالص شرکت *i* در سال *t*.

COGS: برابر است با بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت *i* در سال *t*.

SG&A: برابر است با هزینه‌های عمومی، اداری و فروش *i* در سال *t*.

PPE: برابر است با اموال، تجهیزات و ماشین آلات شرکت *i* در سال *t*.

OL: برابر است با هزینه اجاره عملیاتی شرکت *i* در سال *t* (به علت محدودیت در جمع آوری، این متغیر در نظر گرفته نشده است)

OtherIntan: برابر است با خالص سایر دارایی‌های نامشهود شرکت *i* در سال *t*.

متغیر وابسته: محافظه کاری (C score)

برای اندازه گیری محافظه کاری (C score)، از نسخه تغییر یافته ای از مدل رگرسیون خطی باسو (۱۹۹۷) به پیروی از رویکرد خان و واتس (۲۰۰۹)؛ استفاده خواهیم کرد.

رابطه (۱):

$$N_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 D_{i,t} + (\mu_0 + \mu_1 size_{i,t} + \mu_2 MTB_{i,t} + \mu_3 LEV_{i,t}) * R_{i,t} + (\lambda_0 + \lambda_1 size_{i,t} + \lambda_2 MTB_{i,t} + \lambda_3 LEV_{i,t}) * D_{i,t} * R_{i,t} + (\delta_1 size_{i,t} + \delta_2 MTB_{i,t} + \delta_3 LEV_{i,t} + \delta_4 D_{i,t} size_{i,t} + \delta_5 D_{i,t} MTB_{i,t} + \delta_6 D_{i,t} LEV_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

- $N_{i,t}$: نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال مالی $t-1$.
- $R_{i,t}$: بازده سهام شرکت i در سال t .
- $D_{i,t}$: متغیر مجازی. اگر $R < 0$ باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.
- $Size_{i,t}$: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در پایان سال مالی t .
- $MTB_{i,t}$: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در پایان سال مالی t .
- $LEV_{i,t}$: نسبت بدهی به دارایی شرکت i در پایان سال مالی t .
- $\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده یا پسماند.

برای سنجش محافظه کاری در میان شرکتهای نمونه، می بایست ابتدا رابطه ۱ را با استفاده از داده های مقطعی سالانه برای هر شرکت و به روش رگرسیون دو مرحله ای فاما و مکث برآورد نماییم و پارامترهای حاصل از میانگین ضرایب در برآوردهای مختلف را محاسبه کنیم. سپس، مقادیر محاسبه شده برای λ_1 در معادله رابطه ۲ قرار داده شده و شاخص محافظه کاری را برای هر شرکت محاسبه می نمایم هر چه شاخص C-Score برای شرکت بالاتر باشد، محافظه کاری نیز بالاتر می باشد.

$$C - SCORE = (\lambda_0 + \lambda_1 size_{i,t} + \lambda_2 MTB_{i,t} + \lambda_3 LEV_{i,t}) \quad \text{رابطه ۲}$$

- $Size_{i,t}$: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در پایان سال مالی t .
- $MTB_{i,t}$: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در پایان سال مالی t .
- $LEV_{i,t}$: نسبت بدهی به دارایی شرکت i در پایان سال مالی t .

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): از طریق لگاریتم طبیعی کل داراییها اندازه گیری خواهد شد.

اهرم مالی (Lev): از طریق نسبت کل بدهیها به کل داراییها اندازه گیری خواهد شد

فرصتهای رشد (Q Tobin): با استفاده از عملکرد کیوتوبین محاسبه می شود که از نسبت ارزش بازار داراییها بر ارزش دفتری داراییها بدست می آید.

سن شرکت (Age): بیانگر لگاریتم طبیعی سن شرکت از زمان پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران به علاوه یک محاسبه می شود (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۱).

بازده داراییها (ROA): از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات تقسیم بر کل داراییها محاسبه می شود.

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه اول:

$$Cons_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 GC_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 Qtobin_{i,t} + \beta_5 Age_{i,t} + \beta_6 ROA + \mu_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه دوم:

$$IVD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Ability_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 Qtobin_{i,t} + \beta_5 Age_{i,t} + \beta_6 ROA + \mu_{it}$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه سوم:

$$IVD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 GC_{i,t} + \beta_2 Ability_{i,t} + \beta_3 (GC_{i,t} * Ability_{i,t}) + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 Qtobin_{i,t} + \beta_7 Age_{i,t} + \beta_8 ROA + \mu_{i,t}$$

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از دیدگاه تقسیم بندی بر مبنای هدف، تحقیق کاربردی است. چنین این تحقیق از نظر نوع، همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) است. گردآوری اطلاعات مربوط به این پژوهش از سوابق مالی شرکتها و با مراجعه به کتابخانهها، مجلات علمی، پایان نامهها، سایت بورس اوراق بهادار و همچنین با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین انجام می گیرد. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره مورد بررسی نیز سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ می باشد. در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای رسیدن به نمونه استفاده شده و ۱۲۷ شرکت انتخاب شد. در این تحقیق از روش رگرسیون چند متغیره به عنوان روش آماری استفاده شد.

یافته ها

جدول (۱)، آمار توصیفی دادههای مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۲۷ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۷ ساله (۱۳۹۳ الی ۱۳۹۹) می باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی	Cons	۸۸۹	۰,۱۴۶	۰,۸۲۹	-۱,۶۵۴	۱,۷۳۵
توانایی مدیریت	Ability	۸۸۹	-۰,۰۰۵	۰,۱۰۱	-۰,۵۸۸	۰,۰۹۸
نظام راهبری شرکت	GC	۸۸۹	۲,۰۰۱	۱,۲۰۸	۰	۴
اندازه شرکت	SIZE	۸۸۹	۱۴۶۹۱	۱,۴۲۴	۱۱,۲۴۷	۲۰,۷۶۸
اهرم مالی	LEV	۸۸۹	-۰,۵۵۸	۰,۲۰۵	۰,۰۳۱	۱,۱۳۲
فرصتهای رشد	Q Tobin	۸۸۹	۲,۳۴۶	۱,۶۱۴	۰,۶۹۱	۱۱,۳۴۴
سن شرکت	AGE	۸۸۹	۳,۶۴۶	۰,۳۴۴	۲,۶۳۹	۴,۲۳۴
بازده داراییها	ROA	۸۸۹	-۰,۱۳۴	۰,۱۴۹	-۰,۴۰۴	۰,۵۹۹

مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰,۵۵۸) می باشد که نشان می دهد بیشتر دادهها حول این نقطه تمرکز یافته اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای فرصت های رشد برابر با ۱,۶۱۴ و برای بازده داراییها برابر با ۰,۱۴۹ می باشد که نشان می دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می دهد. به عنوان مثال بزرگ ترین مقدار اهرم مالی ۱,۱۳۲ است که نشان می دهد در شرکتهای نمونه شرکتی وجود دارد که کل بدهی های آن از کل داراییها بیشتر بوده و حقوق صاحبان سهام آن منفی است.

آزمون تشخیص توزیع نرمال شاپیرو ویلک همه متغیرها (به غیر از متغیر اهرم مالی) دارای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد بود. لذا داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. برای بررسی وجود ریشه واحد در داده‌های پانل، می‌توان از آزمون هادری استفاده کرد که نتایج آن به صورت جدول (۲) عرضه می‌گردد.

جدول ۲: آزمون مانایی (هادری) برای تمامی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی	Cons	۴,۰۵۱۲	۰,۰۰۰۰	مانا است
توانایی مدیریت	Ability	۷,۸۷۷۷	۰,۰۰۰۰	مانا است
نظام راهبری شرکت	GC	۹,۱۲۴۳	۰,۰۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	SIZE	۲۵,۳۷۲۴	۰,۰۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	LEV	۱۳,۳۵۵۶	۰,۰۰۰۰	مانا است
فرصتهای رشد	Q Tobin	۱۶,۳۸۳۱	۰,۰۰۰۰	مانا است
سن شرکت	AGE	۳۳,۶۳۷۶	۰,۰۰۰۰	مانا است
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۴,۲۷۵۰	۰,۰۰۰۰	مانا است

با توجه به جدول (۲) مشاهده می‌شود که سطح معنی داری همه متغیرها در آزمون مانایی هادری کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

جدول ۳: نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات مدل رگرسیون

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	آماره آزمون	مدل آزمون	
پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	۰,۰۰۹۹	۱,۳۵	مدل اول	آزمون اف لیمر (چاو)
پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	۰,۰۰۹۷	۱,۳۵	مدل دوم	
پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	۰,۰۰۶۹	۱,۳۸	مدل سوم	
پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدا	۰,۰۰۲۱	۲۰,۶۲	مدل اول	آزمون هاسمن
پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدا	۰,۰۰۰۸	۲۲,۹۶	مدل دوم	
پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدا	۰,۰۰۰۱	۳۱,۷۴	مدل سوم	
وجود ناهمسانی واریانس	۰,۰۰۰۰	۴۰۱۵,۸۴	مدل اول	ناهمسانی واریانس
وجود ناهمسانی واریانس	۰,۰۰۰۰	۳۷۷۰,۵۲	مدل دوم	
وجود ناهمسانی واریانس	۰,۰۰۰۰	۳۶۰۱,۲۹	مدل سوم	
عدم وجود خودهمبستگی	۰,۱۵۹۱	۲,۰۰۶	مدل اول	خودهمبستگی سریالی
عدم وجود خودهمبستگی	۰,۱۷۶۱	۱,۸۵۱	مدل دوم	
عدم وجود خودهمبستگی	۰,۱۴۰۳	۲,۲۰۲	مدل سوم	

نتایج آزمون چاو در جدول (۳)، بیانگر این است که یکسان بودن عرض از مبداً برای تمامی شرکت‌های مورد مطالعه در سطح معنی دار ۵ درصد رد نمی‌شود و می‌توان برای برآورد مدل از روش داده‌های تابلویی استفاده نمود. نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر انتخاب روش با اثرات تصادفی برای تخمین مدل در سطح معنی دار ۵ درصد رد شده و لذا برای برآورد مدل‌ها می‌توان از روش با اثرات ثابت استفاده نمود. نتایج حاصل نشان می‌دهد که سطح معنی داری آزمون در همه مدل‌ها کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می‌باشد. که این مشکل در تخمین نهایی مدل پژوهش با اجرای دستور GLS رفع شده است. با توجه به نتایج، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والدريج برای مدل‌های پژوهش بیشتر از ۵ درصد بوده و بیانگر عدم وجود خود همبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد.

$$Cons_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 GC_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 Qtobin_{i,t} + \beta_5 Age_{i,t} + \beta_6 ROA + \mu_{it}$$

جدول ۴: نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
نظام راهبری شرکت	GC	-۰,۰۳۸	۰,۰۱۵	-۲,۴۸	۰,۰۱۳	۱,۱۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۱۸	۰,۰۱۵	۱,۳۵	۰,۲۱۲	۱,۱۲
اهرم مالی	LEV	۰,۳۳۹	۰,۱۰۱	۳,۳۶	۰,۰۰۱	۱,۷۰
فرصتهای رشد	Q Tobin	-۰,۰۵۰۱	۰,۰۱۱	-۴,۱۹	۰,۰۰۰	۱,۳۷
سن شرکت	AGE	۰,۱۵۰۸	۰,۰۵۸	۲,۵۸	۰,۰۱۰	۱,۰۳
بازده دارایی‌ها	ROA	۱,۳۱۰۱	۰,۱۷۲	۷,۵۷	۰,۰۰۰	۲,۱۹
C						
					۰,۰۲۱۸	ضریب تعیین
					۸۲,۵۵	آماره والد
					۰,۰۰۰۰	سطح معناداری

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که متغیر نظام راهبری شرکت دارای ضریب منفی و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد است بنابراین نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر معکوس دارد. متغیرهای کنترلی اهرم مالی، سن شرکت و بازده دارایی‌ها دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند ولی متغیر کنترلی فرصتهای رشد دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی است از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۲ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۸۲,۵۵ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

$$IVD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Ability_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 Qtobin_{i,t} + \beta_5 Age_{i,t} + \beta_6 ROA + \mu_{it}$$

جدول ۵: نتیجه آزمون فرضیه دوم

متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
توانایی مدیران	Ability	-۰,۸۶۱	۰,۲۴۱	-۳,۵۶	۰,۰۰۰	۱,۰۳
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۳۰۲	۰,۰۲۶	۱,۱۶	۰,۲۴۷	۱,۱۱
(اهرم مالی)	LEV	0.094	۰,۲۱۴	۰,۴۴	۰,۶۵۸	۱,۶۳
فرصتهای رشد	Q Tobin	-۰,۰۲۳	۰,۰۲۳	-۰,۹۷	۰,۳۳۲	۱,۳۳
سن شرکت	AGE	-۰,۱۹۴	۰,۱۰۶	۱,۸۲	۰,۰۶۸	۱,۰۳
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۷۳۰۶	۰,۳۱۵	۲,۳۲	۰,۰۲۱	۲,۱۱
C						
					۰,۰۳۵۴	ضریب تعیین
					۳۲,۷۴	آماره والد
					۰,۰۰۰۰	سطح معناداری

نتایج جدول (۵) نشان می دهد که متغیر توانایی مدیران دارای ضریب منفی و سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد است بنابراین توانایی مدیران بر محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر معکوس دارد. متغیر کنترلی بازده دارایی ها دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۳ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۳۲,۷۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

$$IVD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 GC_{it} + \beta_2 Ability_{it} + \beta_3 (GC_{it} * Ability_{it}) + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 Qtobin_{i,t} + \beta_7 Age_{i,t} + \beta_8 ROA + \mu_{it}$$

جدول ۶: نتیجه آزمون فرضیه سوم

متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
توانایی مدیران	Ability	-۰,۰۶۹۶	۰,۰۱۹۴	-۳,۵۷	۰,۰۰۰	۴,۹۵
نظام راهبری شرکت	GC	-۱,۴۸۹	۰,۴۵۲۲	-۳,۲۹	۰,۰۰۱	۱,۱۰
نظام راهبری شرکت* توانایی مدیران	GC* Ability	-۰,۴۰۲	۰,۱۷۹۹	-۲,۲۴	۰,۰۲۵	۱,۱۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۳۰۶	۰,۰۱۶۲	۱,۸۸	۰,۰۶۰	۱,۱۲
اهرم مالی	LEV	۰,۴۵۱	۰,۱۵۷۵	۲,۸۷	۰,۰۰۴	۱,۷۰
فرصتهای رشد	Q Tobin	-۰,۰۴۳۵	۰,۰۱۶۶	-۲,۶۲	۰,۰۰۹	۱,۳۸
سن شرکت	AGE	۰,۱۰۴	۰,۰۶۴۰	۱,۶۳	۰,۱۰۴	۱,۰۴
بازده دارایی ها	ROA	۱,۴۹۷	۰,۲۲۸۵	۶,۵۵	۰,۰۰۰	۲,۲۱
C						
				ضریب تعیین	۰,۰۴۱۶	
				آماره والد	۳۴,۳۷	
				سطح معناداری	۰,۰۰۰۰	

نتایج جدول (۶) نشان می دهد که متغیر تعاملی نظام راهبری شرکت*توانایی مدیران دارای ضریب منفی و سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد است بنابراین توانایی مدیران بر ارتباط بین نظام راهبری شرکت و میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر معکوس دارد. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارایی ها دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشند از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند ولی متغیر کنترلی فرصتهای رشد دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی است از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۴ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۳۴,۳۷ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی با تاکید بر توانایی مدیران می باشد. نتایج نشان داد نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد یکی از مهم ترین ابزارهای هدایتی و کنترلی شرکتها حاکمیت شرکتی است. یک حاکمیت شرکتی خوب و مناسب منجر به کارایی عملکرد شرکتها می شود و از آنجا که حاکمیت شرکتی چارچوبی برای دسترسی به اهداف شرکت به حساب می آید بنابراین با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی کاهش یافته و رفتارهای محافظه کارانه مدیران کمتر می شود. نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان می دهد که نظام راهبری شرکت دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آن عددی منفی است بنابراین می توان گفت که نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد و این تاثیر به صورت معکوس است. بدین معنی که با افزایش نظام راهبری شرکت، نظارت و کنترل رفتار فرصت طلبانه مدیران بیشتر شده و در نتیجه رفتار محافظه کارانه آنها نیز کاهش می یابد. این نتیجه مرتبط با نتایج پژوهش دستگیر و همکاران (۱۳۹۹) و اسدی مشیزی و همکاران (۱۳۹۹) است.

نتایج نشان داد توانایی مدیران بر محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد. شرکتها برای جذب مدیران باصلاحیت تلاش می کنند. کیفیت مدیریت مؤثر نقش حیاتی در قدرت ایجاد ارزش و سودآوری در آینده کسب و کار شرکت دارد. توانایی مدیران، به عنوان مهم ترین بعد سرمایه انسانی سازمانها و مطالعه نقش آنها در مؤلفه های مؤثر بر تصمیمات سازمان اهمیت بسیار زیادی دارد. مدیریت حرفه ای معمولاً پیچیده است و آنها نیاز به مجموعه ای از تواناییها و ظرفیت های ویژه دارند. صلاحیت مدیریت عملیاتی از عوامل مهم بهره وری و اثربخشی عملیات و پیش بینی سود در آینده است. نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش نشان می دهد که توانایی مدیران دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آن عددی منفی است بنابراین می توان گفت که توانایی مدیران بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد و این تاثیر به صورت معکوس است. بدین معنی که با افزایش توانایی مدیران، توانمندی آنها در مدیریت امور شرکت بهتر شده و در نتیجه رفتار محافظه کارانه آنها نیز کاهش می یابد.

بر طبق نتایج توانایی مدیران بر ارتباط بین نظام راهبری شرکت و میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد حاکمیت شرکتی تعدادی مسئولیتها و شیوه های اعمال شده توسط هیئت مدیره و مدیران مؤلف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین کننده دستیابی به اهداف، کنترل ریسکها به طور مناسب و مصرف منابع به طور مشمولانه، می باشد و با افزایش مکانیزم های حاکمیت شرکتی، شرایطی فراهم می شود تا میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی کاهش یابد. نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش نشان می دهد که حاصل ضرب نظام راهبری شرکت و توانایی مدیران دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آن عددی منفی است بنابراین می توان گفت که توانایی مدیران بر ارتباط بین نظام راهبری شرکت و میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد و این تاثیر به صورت معکوس است. بدین معنی که با افزایش توانایی مدیران، توانمندی آنها در مدیریت امور شرکت بهتر شده و در شرکتهایی که نظام راهبری قویتری دارند محافظه کاری در گزارشگری مالی نیز کاهش می یابد. بدین معنی که تعامل نظام راهبری شرکت و توانایی مدیران و افزایش آنها موجبات کاهش محافظه کاری در گزارشگری مالی می شود. این نتیجه مرتبط با نتایج پژوهش دستگیر و همکاران (۱۳۹۹) و اسدی مشیزی و همکاران (۱۳۹۹) است، در پژوهش حاضر برای اندازه گیری میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی از مدل تعدیل شده باسو یعنی مدل خان و واتس (۲۰۰۹) استفاده شد اگر از سایر مدل های اندازه گیری برای این متغیر استفاده می شد ممکن است نتایج متفاوتی ارائه نماید لذا تعمیم یافته ها با دقت صورت پذیرد.

با توجه به نتایج به تحلیل گران پیشنهاد می گردد که در تحلیلها و پیش بینی های خود، تأثیر نظام راهبری شرکت و توانایی مدیران بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی را مدنظر قرار دهند. زیرا نظام راهبری شرکت و توانایی مدیران،

باعث کاهش محافظه کاری در گزارشگری مالی می شود و اطلاعات مالی واقع بینانه تر بوده و منجر به تصمیم گیری بهتر سرمایه گذاران شده و در نتیجه کارایی بازار سرمایه افزایش پیدا می کند بنابراین پیشنهاد می گردد به نظام راهبری شرکت توجه ویژه داشته باشند. همچنین به سرمایه گذاران پیشنهاد می گردد در شرکت هایی سرمایه گذاری کنند که نظام راهبری شرکت بالاتری داشته و توانایی مدیران بیشتر است چون نظام راهبری شرکت باعث کاهش محافظه کاری در گزارشگری مالی شرکت شده و باعث می شود اطلاعات مالی با کیفیت بوده و در تصمیم گیری سرمایه گذاران و سهامداران مفید واقع شود.

منابع و مأخذ:

- اسدی مشیزی، محمدحسین، حاجیها، زهره، جعفری، سیده محبوبه. (۱۳۹۹). الگوبندی عوامل مؤثر بر محافظه کاری در شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۶۸-۱۳۹، ۱۲(۴۷).
- امیرآزاد، میرحافظ، زینالی، مهدی، شاهی، رضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر گزینش اظهارنظر حسابرس، مجله دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۷.
- پورحیدری و غفارلو (۱۳۹۱). اثر محافظه کاری مشروط و غیر مشروط حسابداری بر هزینه حقوق مالکانه. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۵، ص ۴۹-۶۵.
- حساسیگانه، یحیی و مرادی، محمد و هدی، اسکندر. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و ارزش شرکت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۲، ص ۱۰۷-۱۲۲.
- دستگیر، محسن؛ کاکائی سبزه‌خانی، مهتاب؛ علیپور، رامین، (۱۳۹۹). تأثیر ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، پیاپی ۴۵ (پاییز ۱۳۹۹)، صص ۵۹-۸۹.
- دشتی رحمت‌آبادی، محمد (۱۳۹۲). رابطه بین محافظه کاری حسابرس، اقلام تعهدی غیرعادی و ارائه بند درباره تداوم فعالیت در گزارش‌های حسابرسی ارائه شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی رجاء قزوین، دانشکده حسابداری و مدیریت.
- روحی علیایی، فهیمه. (۱۳۹۳). گذری بر حاکمیت شرکتی، مجله بورس، شماره ۱۱۱.
- سلیمانی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و شفافیت سود حسابداری بر عملکرد اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- برادران حسن زاده، رسول، حشمت، نساء (۱۴۰۱)، نظام راهبری شرکتی و کنترل‌های داخلی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- مجتهدزاده، ویدا؛ فرشی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی رابطه محافظه کاری حسابداری و تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۶۷، ص ۹۱-۱۰۴.

References

- Ball, R. and L. Shivakumar, (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics* 39, 83-128.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24(1): 3-37.
- Bertrand, M., A. Schoar. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *Quart. J. Economy*, 118 (4), 1169-12080.
- Bradshaw. (2002). The use of target prices to justify sell-side analysts stock recommendations *Accounting Horizons* 16pp27-41.
- Demerjian, P., B. Lev, and S. MacVay. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity test. *Management Science* 58(7): 1229-1248.
- Givoly, D. and Hayn, C. (2000), and "The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative", *Journal of Accounting and Economic*, 29(3), pp.287-320.

- Khan, M. and R. L. Watts. 2009. Estimation and empirical properties of a firm-year measure of Account. Conservatism. *Journal of Accounting Economics* 48(2-3):132-150.
- Kim, J. B., & Zhang, L. (2015). Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm-level evidence. *Contemporary Accounting Research*. 33(1): 412-441.
- LaFond, W., and R. L. Watts. 2006. The information role of conservatism *The Accounting Review* 20. Nikolaev, V., (2006). Debt covenants and accounting conservatism: complements or substitutes? www.ssrn.com
- Lynch, R.L., Cross, K.F.(1991), *Measure Up-The Essential Guide to measuring Business performance*, Mandarin, london
- Roychowdhury, Sugata & Watts, Ross L., (2007). "Asymmetric timeliness of earnings, market-to-book and conservatism in financial reporting," *Journal of Accounting and Economics*, Elsevier, vol. 44(1-2), pages 2-31, September.
- Watts, R. (2003). Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications, *Accounting Horizons* 17 (3): 207–221.